



پیشینه حَیّ علی خیر العمل در اذان کجاست؟

پاسخ حضرت آیت الله العظمی سبحانی: در اذان شیعه، پس از «حَیّ علی الفلاح»، دوبار «حَیّ علی خیر العمل» گفته می‌شود. در

پاسخ حضرت آیت الله العظمی سبحانی: در اذان شیعه، پس از «حَیّ علی الفلاح»؛ دوبار «حَیّ علی خیر العمل»؛ گفته می‌شود. در روایات ائمه اهل بیت (علیهم السلام) این جمله جزو اذان معرفی شده است، در حالی که در اذان کنونی اهل سنت چنین جمله‌ای نیست. اکنون باید دید ریشه این اختلاف کجا است و چگونه این جمله از اذان حذف شده است.

یادآور می‌شویم که در عصر خلیفه دوم، «مصلحت اندیشی»؛ رواج بیشتری داشت، چه بسا مصلحت‌اندیشی، بر حکم خدا در قرآن و سنت مقدم شمرده می‌شد.

از باب نمونه، در عصر پیامبر (ص) و عصر خلیفه نخست و حتی بخشی از خلافت خلیفه دوم، سه طلاق در یک مجلس، تنها یک طلاق محسوب می‌شد، اما در نیمه دوم خلافت خلیفه دوم این حکم دگرگون گشت و سه طلاقه کردن زن در یک مجلس، سه طلاق واقعی تلقی گردید و هر نوع حق رجوع از شوهر سلب شد. [1]

در ادامه ثابت خواهیم کرد که حذف «حَیّ علی خیر العمل»؛ از فصول اذان، در عصر خلیفه دوم رخ داده است.

بررسی تاریخ اذان و اقامه به روشنی ثابت می‌کند که جمله «حَیّ علی خیر العمل»؛ از فصول قطعی اذان بوده است و مؤذنان در عصر پیامبر (ص) و مدتی پس از آن حضرت، این جمله را ضمن فصول دیگر می‌گفتند. سپس به علت و یا غلی از اذان حذف گردید.

الف. سید مرتضی می‌گوید: علمای اهل سنت نقل کرده‌اند که در برخی سال‌های رسالت، جمله «حَیّ علی خیر العمل»؛ گفته می‌شد ولی بعداً نسخ شده است. [2]

ب. ابن عربی در فتوحات می‌گوید: در جنگ خندق، آنگاه که صحابه پیامبر خندق می‌کنند، چون وقت نماز فرا رسید، یک نفر از آنان ندا سر داد: «حَیّ علی خیر العمل»؛ و از آن زمان سنت حسنه شد. [3]

ج. شرف الدین معروف به سیاهی (متوفای 1221) در کتاب «الروض النضیر»؛ می‌گوید: صحیح آن است که اذان با «حَیّ علی خیر العمل»؛ تشریع شده است، گذشته بر این همگان اتفاق نظر دارند بر این که در روز خندق، این جمله جزو اذان بوده است. [4]

د. سه طایفه بزرگ امامیه، زیدیه و اسماعیلیه که پیرو مکتب اهل بیت هستند، آن را جزو اذان می‌دانند. [5]

اکنون به برخی از روایات در این مورد اشاره می‌کنیم:

1. متقی هندی در کنز العمال از معجم طبرانی نقل می‌کند: کان بلال یؤذن بالصبح فیقول: «حَیّ علی خیر العمل»؛ بلال در اذان صبح «حَیّ علی خیر العمل»؛ می‌گفت.

2. حافظ علوی زیدی (367-445) در رساله خاص خود به نام «الأذان بحیّ علی خیر العمل»؛ به طور مسند از «ابن محذور»؛ صحابی رسول خدا (ص) نقل می‌کند که پیامبر به وی اذان آموخت و یکی از فصول آن «حَیّ علی خیر العمل»؛ بود. [7]

و سیره نویسان اتفاق نظر دارند که پیامبر (ص) اذان را پس از بازگشت از جنگ «حنین»؛ به وی آموخت. [8] و غزه حنین در اواخر سال هشتم هجری، پس از فتح مکه رخ داد و این حاکی است که این فصل از اذان تا آن روز، جزو این فریضه الهی

این دو نمونه از روایاتی است که بیانگر وجود این فصل از اذان در عصر رسول خدا(ص) بوده است.

در دو رساله بسیار محققانه که به قلم فاضلانه دو عالم زیدی نگارش یافته است به نام‌های الأذان بحی علی خیر العمل، نگارش حافظ علوی زید(72-445). الاعتصام بحبل الله، تألیف امام قاسم بن محمد الزیدی(م1029); از شخصیت‌های بزرگی از صحابه و تابعان نقل شده که همگی در اذان و اقامه خود ملتزم به گفتن این فصل از اذان بودند. ذکر اسامی و گفته‌های آنان، در این مختصر نمی‌گنجد و محققان می‌توانند به این دو کتاب مراجعه فرمایند.

بنابراین، نباید در اصل مشروعیت این فصل از اذان شك کرد. در واقع کسانی که آن را از فصول اذان حذف کرده‌اند، باید علت آن را بیان کنند. متأسفانه این کار جز #171;مصلحت اندیشی شخصی؛ دلیل دیگری نداشته است.

حافظ علوی در کتاب #171;الأذان بحی علی خیر العمل؛ به سندی از #171;حسن بن یحیی بن الحسین بن زید بن علی؛ نقل می‌کند که آل رسول خدا (ص) بر وجود آن در اذان اتفاق نظر دارند و مؤذنان در عصر ابوبکر نیز به همین شیوه اذان می‌گفتند، اما وقتی عمر زمام خلافت را به دست گرفت، گفت: #171;دعوا حی علی خیر العمل لئلا یشتغل الناس عن الجهاد فکان أول من ترکها؛ #171;[9]؛ گفتن حی علی خیر العمل را ترک کنید تا مردم به بهانه این که نماز بهترین عمل است، جهاد را ترک نکنند؛ #171;او(عمر) نخستین فردی بود که این فصل از اذان را ترک کرد؛ #171;.

محقق شهیر، سعدالدین تفتازانی (712-79) در شرح مقاصد؛ و متکلم معروف اشعری به نام علاء الدین قوشجی(متوفای 879) می‌گویند: عمر بن خطاب نسبت به سه چیز هشدار داد و گفت:

#171;سه چیز در عهد رسول خدا(ص) رسمیت داشت و من از آنها باز می‌دارم، و انجام دهنده آن را مؤاخذه می‌نمایم: 1. متعه زنان، 2. متعه حج، 3. گفتن حی علی خیر العمل؛ #171;[10].

مصلحت اندیشی خلیفه، علاوه بر این که نوعی اجتهاد در مقابل نص به شمار می‌آید، تنها می‌تواند برای خود او حجت باشد نه برای دیگران و آیندگان. اگر آیندگان از حقیقت امر آگاه شدند، باید سنت را بر بدعت مقدم بدارند، به ویژه آن که ملاک دگرگون گردیده است و دیگر جهادی بر ضد کفر و شرک نیست.

از آنجا که تثبیت چنین بدعتی کار آسانی نبود، تنی چند از بزرگان بر این نهی ارزش قائل نشده و همچنان به هنگام اذان این جمله را می‌گفتند.

برهان الدین حلبی (975-1044) در سیره خود می‌نویسد: عبدالله ابن عمر و علی بن الحسین در اذان پس از #171;حی علی الفلاح؛ #171;جمله #171;حی علی خیر العمل؛ #171;می‌گفتند[11] و از آنجا که گفتن این جمله نوعی شعار مخالفت بود، پیوسته در طول تاریخ، موافق و مخالف از آن بهره می‌گرفتند.

در انتفاضة حسنی‌ها، آنگاه که حسین بن علی بن حسن (صاحب فخر) بر مدینه مسلط شد، عبد الله بن حسن أفتس بر بالای مناره‌ای که روی مرقد پیامبر گرامی (ص) است، قرار گرفت و به مؤذن گفت: بگو: #171;حی علی خیر العمل؛ #171; مؤذن نیز این جمله را به زبان راند.[12]

و نیز در دولت آل بویه که تمایلات شیعی داشتند، شعار شیعیان بغداد در اذانها جمله #171;حی علی خیر العمل؛ #171; بود، آنگاه که سلجوقی‌ها روی کار آمدند این شعار ممنوع گردید، و شگفت این است که فرمان دادند در اذان صبح، جمله #171;الصلاة خیر من النوم؛ #171; را بگویند، و این جریان در سال 448 رخ داد.[13]

[1] . تفسیر این بخش را در کتاب #171;الاعتصام بالكتاب والسنة؛ قرائت بفرمایید، ص 175 تا 210 و در این مطلب میان مورخان و محدثان اتفاق نظر هست؛ به صحیح مسلم؛ 4، باب الطلاق الثلاث، حدیث 1، 3؛ سنن بیهقی؛ 339/7؛ الدر المنثور؛ 279/1 مراجعه شود.

[2] . الانتصار؛ 137، باب وجوب قول #171;حی علی خیر العمل؛ #171;.

[3] . الفتوحات المكيه:400/1.

[4] . الروض النضر:542/1.

[5] . حافظ علوي در كتاب الاذان به «حيّ على خير العمل[:raquo.

[6] . كنز العمال:342، ح23174.

[7] . الأذان بحيّ على خير العمل: 26، 27، 29 و الاعتصام بحبل الله تأليف الإمام قاسم بن محمد الزبيدي المتوفي عام 1029، نشر مطابع الجمعيه عمان.

[8] . مسند احمد:408/3.

[9] . الأذان بحي على خير العمل: 29.

[10] . شرح مقاصد: 2835، شرح تجريد قوشجي: بحث امامت.

[11] . سيره حليي:305/2.

[12] . مقاتل الطالبين: نگارش ابوالفرج اصفهاني(284_356)، 446، چاپ دار المعرفه.

[13] . سيره حليي:305/2.